

وجدان بیدار

اورلئان تحصیل کرد و عالم الهیات و حقوق شد. وی بر اثر یک تحول ناگهانی (حدود سال ۱۵۳۳ م) متوجه آیین پروتستان شد و از کلیسای کاتولیک برید و چون در آن زمان پروتستان‌ها تحت تعقیب و آزار بودند، ناچار بود از شهری به شهر دیگر برود بعد از سال ۱۵۳۴، رهبری هواخواهان آیین پروتستان را به دست آورد. کالوین در شهر بال کتاب مشهور «مبادی دین مسیحی» را انتشار داد و در حدود ۲۸ سالگی گذارش به ژنو افتاد و جز در سالهای ۱۵۳۸ - ۱۵۴۱ که از ژنو تبعید شد، بقیه عمرش را در آنجا گذراند.

با حضور او، ژنو مرکز آیین پروتستان شد. کالوین می‌خواست ژنو را به صورت «کشوری کامل» که حکومتش در دست اولیای دین باشد، در آورد. همه‌ی مردم را با تهدید به اخراج و نفی بلد، واداشت که به «اعترافنامه به ایمان» گردن نهند و نظامی سخت و خشن بر شهر برقرار کرد. عاقبت شورشی بر پا شد و او و دستیارش، گیوم فارل، از ژنو اخراج شدند (۱۵۳۸ م)، اما چون در غیابش اوضاع شهر آشفته شد، مردم ناچار او را به ژنو دعوت کردند (۱۵۴۱ م). کالوین به سازمان دادن قوانین شهر، ایجاد مدارس، رایزنی در مسایل سیاسی، و موعظه ادامه داد و به تعقیب سخت مخالفان خود پرداخت.

بیماری ممتد سالهای ۱۵۵۸ و ۱۵۵۹ کالوین را بیش از پیش ناتوان ساخت. از آن پس غالباً بستری بود با این حال از مطالعه، رهبری و اداره شهر، ایراد خطابه و وعظ حتی هنگامی که وی را به علت ناتوانی با صندلی به محراب می‌بردند باز نمی‌ایستاد.

کالوین سرانجام در روز ۲۷ ماه مه ۱۵۶۴ میلادی درگذشت

زندگانی سباستین کاستلیو

سباستین کاستلیو (Sebastian Costellio) به سال ۱۵۱۵ یا ۱۵۱۶ شش سال دیرتر از ژان کالوین در منطقه‌ی مرزی بین فرانسه، سویس، و ساوآین چشم به جهان گشوده است، خانواده‌ی او خود را شاتیون یا شاته‌یون و شاید در عهد فرمانروایی ساوایی‌ها چند گاهی کاتلیونه می‌نامیده است و لیکن زبان مادریش بایستی ایتالیایی بوده باشد نه فرانسوی. اما بزودی زبان اصلی او زبان لاتینی خواهد بود زیرا که در بیست سالگی کاستلیو به عنوان دانشجو در دانشگاه لیون ظاهر می‌شود و در آنجا افزون بر زبان ایتالیایی و فرانسوی، استادی کامل در زبانهای لاتینی یونانی و عبری به هم می‌رساند و زبان آلمانی هم می‌آموزد. او در سایر علوم سرآمد روزگار خود می‌شود و دانشمندان الهیات و اومانستهای زمانه او را به دانایی و علم می‌ستایند.

در دوران دانشجویی‌اش ساعاتی به تدریس می‌پرداخت و کمابیش دستی در نوشتن داشت و چند شعر و نوشته به زبان لاتینی فرآورده‌های این دوران وی است.

- وجدان بیدار (کاستلیوو کالون)
- اشتفان تسوایگ
- ترجمه سیروس آربن پور
- انتشارات فرزانه
- چاپ اول ۱۳۷۶

زندگانی کاستلیو است و نویسنده در این زمینه توفیق زیادی به دست آورده است. چنانکه توماس در مقدمه‌ای که در ابتدای کتاب آمده است به این توفیق چنین اشاره کرده است: «آقای اشتفان تسوایگ ارجمند عزیزم، این چنین مشتاقانه، و این چنین یکسره مسحور موضوع و مجذوب ساختار و پرداخت آن؛ مدت‌ها بود، مثل این کاستلیوی شما کتابی نخوانده بودم. غوغایی است این کتاب، تکان‌دهنده است و شورانگیز، گردهم آورنده همه چیزهای دوست‌داشتنی و نفرت‌انگیز روزگار ماست در تاریخی که به ما می‌آموزاند: مسأله پیوسته‌همانی است که همیشه تاریخ بوده است. این هم، غم‌انگیز است و هم تسلا بخش. من از کاستلیو هیچ نمی‌دانستم، براستی از آشنایی با وی خوشوقت‌م و با او دوست تازه‌ای برای خود در اعماق تاریخ یافته‌ام. این دوستی را مدیون کتاب شما هستم و خود شما تشکر مرا بپذیرید.» (توماس مان ۳۰ مه ۱۹۳۶)

در اینجا برای آشنایی بیشتر با محتوای اصلی کتاب به خلاصه‌ای از زندگانی کالوین و سباستین کاستلیو می‌پردازیم: ژان کالوین (John Calvin) ۱۵۰۹-۱۵۶۴، متاله پروتستان فرانسوی در دوران رفرماسیون (اصلاح دینی = Reformation) بود که مذهب کالوینی از او و افکار و تعالیمش پیدایش یافت.

کالوین حدود ۱۰ سال پیش از جدا شدن لوتر از کلیسای کاتولیک به دنیا آمد در دانشگاه‌های پاریس و



● بخشعلی قنبری

وجدان بیدار نام کتابی است که به بررسی و مقایسه زندگانی و عقاید سباستین کاستلیو و ژان کالوین و نحوه حکومت‌داری وی پرداخته است. در این کتاب علاوه بر آرا و اندیشه‌های این دو صاحب نظر دوره اصلاح‌دینی به زندگانی سروتوس و آرا و اندیشه‌های او پرداخته شده است و نحوه قتل و اعدام وی مورد بررسی و انتقاد قرار گرفته است. اما موضوع اصلی کتاب بررسی و



بواسون (Ferdinand Boisson) و اتین ژیران (Etienne Giran) نوشته‌اند.

براساس اقداماتی که کالوین علیه کاستلیو کرده بود، او خود را آماده محاکمه‌ای ظالمانه می‌کرد و بدون اندک تأملی نتیجه‌اش همان بود که پیشتر سروتوس و دهها نفر از منتقدان کالوین به آن دچار شدند؛ سوختن در آتش تعصب کور کالوین! اما گویا تقدیر او وخواست خداوندی این است که دشمنان و پیگرد کنندگانش از این پیروزی محروم شوند که سیاستین کاستلیو دشمن بزرگ هر گونه خود کامگی فکری را اسیر در زندان و گرفتار تبعید و یا بر بالای کوهه‌ی هیزم آدمسوزی ببینند. مرگی ناگهانی در آخرین لحظه‌ها سیاستین را از محاکمه وپورش مرگبار دشمنانش رهایی می‌بخشد. جسم او مدتهاست که در نتیجه کار فرساینده زیاد، رمق باخته و سخت ناتوان شده است و اکنون که دلهره‌ها و هیجانها روح او را نیز خسته کرده است دیگر کالبد فرسوده‌اش بیش از این تاب نمی‌آورد و در هم فرومی‌شکند.

کاستلیو حتی تا آخرین دم زندگی به سختی می‌کوشد خود را به دانشگاه و به پشت میز کارش بکشد، تلاش وی بی ثمر است، چه، مرگ براراده او به زیستن و برخواست او به آفرینندگی فکری چیرگی می‌یابد.

او را که در آتش تپی تند می‌سوزد و می‌لرزد به خانه می‌برند و در بستر می‌خوابانند اما دردهای هولناک معده اجازه هیچ خورد و خوراکی به جز شیر به او نمی‌دهد.

کار اعضای بدنش لحظه به لحظه خراب‌تر می‌شود. و سرانجام قلب شکسته و لرزانش از کار می‌افتد، روزیست و نهم دسامبر ۱۵۶۳ کاستلیو در چهل و هشت سالگی می‌میرد و در واقع به مدد لطف الهی از چنگال دشمنان نجات می‌یابد. آنچه از وی برجا می‌ماند، به گونه‌ای انکارناپذیر نشان می‌دهد که آن دانش آموخته پاک و بزرگوار در تنگدستی قدیمی می‌زیسته است. یک سکه مسین هم در خانه‌اش پیدا نمی‌شود، پول تابوت و بدهکاری‌های کوچک و هزینه خاکسپاری او را باید دوستانش بپردازند و کودکان صغیرش را نزد خود ماوا دهند.^۲

گذری بر کتاب

کتاب حاضر یکی از آثاری است که به نهضت اصلاح دینی قرن شانزده اروپا از زاویه دیگر نگریسته است. تصویر غالب که از این ارایه می‌شود نگرش تاییدکننده و ستایشگرانه است اما در این اثر از زاویه دیگر یعنی نگرش انتقادی بدان توجه شده است. درست است که نهضت اصلاح دینی آثار مثبتی بر جهان دین و فکر و اندیشه ببار آورد اما هرگز نباید مفتون دستاوردهای مثبت آن شویم و از آسیب‌شناسی آن غفلت نماییم. اثر حاضر یکی از آثاری است که از این نقطه نظر نهضت فوق را مورد بررسی قرار داده

کتاب کوچک جای بزرگی برای خود باز می‌کند. کاستلیو وقت زیادی صرف کرد تا کتاب مقدس را به لاتین و از لاتین به فرانسوی ترجمه کند وقتی بخشهایی از این کار به انجام رسید در صدد انتشار آن برآمد اما کالوین به هیچ وجه با چاپ بدون مشروط آن موافقت نکرد و پس از مدتی کالوین او را از مقام معلمی نیز عزل می‌کند و حتی ترتیبی فراهم می‌نماید تا او را از شهر ژنو اخراج کنند و همین گونه هم می‌شود و در شهر بازل به کار غلط‌گیری نمونه‌های چاپی و ترجمه می‌پردازد و با سختی تمام زندگی را ادامه می‌دهد.

آثار کاستلیو

کاستلیو در حیات دردمندانه و فقیرانه‌اش آثار زیادی از خود به جا گذاشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد: آیا بدعت سزاوار شکنجه است؟!، درباره شک و تردید، چهارگفتگو، بندی به فرانسه پریشان، رساله‌ی کافران، که به همت کشیش A. اولیوه (A.Olivet) با مقدمه‌ای از پروفیسور J. شوازی (E.Choisy) در سال ۱۹۱۳ در ژنو چاپ شد. «هنر شک ورزیدن» که دکتر الیزابت فایست (Elisabet Feist) برای نخستین بار انتشار یافته است.

درباره کاستلیو علاوه بر کتاب وجدان بیدار، نوشته اشتفان تسوایگ، کتابهای، سیاستین کاستلیو، (پاریس ۱۸۹۲) و سیاستین کاستلیون و اصلاحات کالوینی (پاریس ۱۹۱۴) که به ترتیب آنها را «فردینان

کاستلیو وقتی که می‌بیند حکومت خشن و خشونت‌بار همچنان ادامه می‌یابد بناچار باید یکی از سه راه را در پیش گیرد یا به مبارزه با ترور حکومتی کمر بر بندد و شهید شود، راه ایستادگی آشکارای بی‌باکانه‌ای بدین گونه را کسانی چون برکن Arnaud Berquin (۱۷۴۷-۱۷۹۱ م) نویسنده فرانسوی و اتین دولت (Etienne Dolet) برگزیند و سرانجام مرگ در آتش را بپذیرد؛ یا برای حفظ جان و آزادی وجدان خویش در ظاهر به زور تن در دهد و عقیده‌ی اصلی خود را پنهان نگاه بدارد مانند اراسموس که با کلیسا و حکومت به ظاهر در آشتی زیست و پوشیده و پنهان در دای فرزاتگی و جامه ظنن چیره دستانه خویش را از گزند قهر در امان نگاه دارد و ادیسه وار با خشونت وقت از در حيله در آید و از پشت تیرهای زهرآگین بیاراند، سومین راه مهاجرت است. و کاستلیو این راه را انتخاب می‌کند و از شهر لیون به شهر استراسبورگ می‌رود تا نزد کالوین به مبارزه ادامه دهد ولی رابطه دوستی پا نمی‌گیرد اما فارل و کالوین از استعداد کاستلیو سخت خوششان می‌آید و او را به ژنو می‌خوانند و عنوان مدیر مدرسه‌ای را به او می‌بخشند. و مسئولیت موعظه‌گری در کلیسای واندوور (Vandoeuvres)؛ یکی از محله‌های ژنو را به او می‌سپارند و برای فهم دانش‌آموزان گوشه‌هایی از عهدعتیق و جدید را که جنبه‌های نمایشی دارد در قالب گفتگو به زبان لاتین برمی‌گرداند و بزودی این

است.

واقعیت آن است که نهضتها و رهبران آنها در دوره تاسیس بسیار آرمانی می‌اندیشند و در برابر افراد به لحاظ اخلاقی فروتن و از نظر سیاسی و اجتماعی آزادی خواهاند، اما چون به دوره‌ی استقرار و حاکمیت می‌رسند اهداف و ادعاهای پیشین را از یاد می‌برند و در مواردی در جایگاه همان افراد قرار می‌گیرند که با آنها مبارزه کرده‌اند و همان کارهایی را انجام می‌دهند که مورد اعتراض خود آنان بوده است.

کتاب حاضر در واقع درصدد برآمده تا نهضت اصلاح دینی را مورد نقد و بررسی قرار دهد و آن را بویژه در رابطه با موضوع «مطلق‌گرایی» بررسی کرده است. لیک می‌دانسیم که یکی از موارد مورد اعتراض اصلاح‌طلبان لوتری «مطلق‌گرایی» کاتولیکها بوده است که روحانیان نظر خود را تنها و آخرین نظر می‌دانسته‌اند و جز آن را بر نمی‌تابیدند.

اما شگفت‌آور آنکه پروتستانهای کالوینی خود به مراتب از اسلاف کاتولیکشان مطلق‌گراتر بوده‌اند و حتی دستگاههای تقشیش عقایدی که تشکیل داده‌اند به مراتب از دستگاههای پیشین کاتولیکی شدیدتر و مخوف‌تر بوده‌است.

به هر حال کتاب حاضر به بررسی زندگینامه و فعالیت‌های انسان‌گرایانه و اصلاح‌طلبانه فردی پرداخته است که با کمال دلسوزی به نقد عملکرد کالوین و رژیم دیکتاتورانه وی پرداخته است.

سیاستین کاستلیو (۱۵۱۶ - ۱۵۶۳) برای این نکته تاکید می‌ورزید که مطلق‌گرایی کالوینی و اعاده اعمال ناشایست کاتولیکی در مبارزه با مخالفان و عدم تحمل آنان از شیوه‌های نادرستی است که کالوین در اداره شهر ژنوا به کار می‌بست.

کتاب دارای یادداشت ناشر، پیشگفتار و نه فصل و سپاسگزاری است که در فصل اول مربوط است به قدرت رسیدن کالوین، فصل دوم آداب ایمان، فصل سوم کاستلیو پا پیش می‌گذارد، فصل چهارم ماجرای سروه (سروتوس)، فصل پنجم سروه به قتل می‌رسد، فصل ششم مانیفست مداراگری، فصل هفتم وجدان در برابر نهر قد می‌افرازد، فصل هشتم قهر وجدان را از پا درمی‌آورد و فصل نهم قطب‌ها به هم می‌رسند.

اصل کتاب به زبان آلمانی است و ظاهراً مترجم آن را به طور مستقیم از آلمانی به فارسی ترجمه کرده است. مترجم در عین رعایت سلاست و شیوایی متن مصر است تا واژه‌های فارسی را در برابر واژه‌های غربی و عربی قرار دهد به عنوان مثال به جای «تفتیش عقاید» ترکیب «باور پرسی» را به کار برده است که از این جهت کتاب تازگی خاصی دارد. اما در عین حال بوی خفیفی از غرابیت به ذهن خواننده می‌رسد.

متن اصلی کتاب شیوا و جذاب است و خواننده را به سوی خود جذب می‌کند از ویژگی‌های جالب توجه آن به

این نکته می‌توان اشاره کرد که اثر حاضر همزمان از سه ویژگی برخوردار است و هر سه آنها نوعی جذابیت برای خواننده فراهم می‌سازد و این سه عبارتند از:

۱) جنبه گزار شگری و تاریخی کتاب، خواننده اثر در مواجهه نخست تصور می‌کند که کتاب یک اثر تاریخی است و نویسنده از شیوه‌های تاریخ نگاری بهره برده است، اما در عین حال گزار شگری وی همراه با تحلیل خرد ورزانه است به طوری که نویسنده دقیقاً خواننده خود را به هدف اصلی اش راهنمایی می‌کند و او را در مسیر خاصی قرار می‌دهد.

۲) جنبه‌ی داستان وارگی، از این جهت هم خواننده برجستگی خاصی در آن می‌یابد چرا که کتاب به صورت یک رمان نگاشته شده است و خواننده احساس می‌کند با یک رمان تاریخی مواجه است و از این جهت او را وادار می‌کند تا کتاب را تا آخر مطالعه نماید تا به نهایت و نتایج آن واقف شود.

۳) جنبه علمی و نقادی این اثر در عین داشتن ویژگیهای ذکر شده از این مزیت هم برخوردار است که به وقایع و اتفاقات مربوط به قهرمان داستان با دید علمی و نقادی بنگرد.

نویسنده با استناد به گفته‌های کاستلیو و حتی با بهره‌گیری از استدلالهای خود او خواننده را به تحلیل علمی و نقد روشمند می‌خواند هرچند که رویه‌های تاریخی و رمانگونه آن مورد غفلت واقع نشده است.

البته از ذکر یک نکته نباید غفلت کرد و آن اینکه نویسنده تقریباً در هیچ مورد از نقل و قولها پیش به ذکر مأخذ نپرداخته است و از این جهت کتاب به یک اثر رمان شباهت بیشتری پیدا می‌کند تا یک اثر عمیق علمی.

مزیت دیگری که در اثر حاضر به چشم می‌خورد توضیحات مفید نویسنده در پاورقی‌هاست که به توضیح واژه‌ها و اشخاص به کار رفته‌ی در متن پرداخته است.

نتیجه‌گیری

چنانکه در مطالب پیشین یادآور شدیم این اثر یک کتاب آسیب شناسانه درباره اصلاح دینی حداقل در قرائت و عملکرد کالوینی آن است. از این جهت نگارنده خواننده آن را به نسل جوان امروزی توصیه می‌کند و ادعای خود را به دلایل ذیل مستدل می‌داند.

۱) از مشروطیت به این طرف نوگرایی دینی و به تغییر حرکت‌های اصلاح‌طلبانه دینی در میان بخشی از فرهیختگان جامعه اعم از روحانیان و صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه معرفت دینی رواج یافته است و عموماً مراکز علمی (اعم از حوزه و دانشگاه) بستر رشد چنین گرایشهایی در دینداری و دین‌گرایی بوده است.

نظریه پردازان اصلاح‌طلبی در ایران به یقین از اندیشه‌های اصلاح‌گران پروتستانی متأثر بوده‌اند و شاید برخی از آنان فقط رویه‌های جذاب این نهضت را

مورد نظر قرار داده‌اند به تعبیر بهتر شاید فقط همین رویه‌ها را مشاهده کرده‌اند و به بطون مختلف آن پی‌نبرده‌اند لذا به پیروی از رهبران اصلاح‌دینی برآمده‌اند. البته این نقطه نظر در یک نگرش خوشبینانه است ولی اگر انتقادی بنگریم باید بگوییم در لایه پایینی دینداری روشنفکرانه و اصلاح‌طلبانه زیادند کسانی که به تقلید صرف از رهبران نهضت اصلاح‌دینی غرب پرداخته و هرگز به عواقب و افات آن حداقل در کنار دستاوردهای نیکوی آن نپرداخته‌اند.

از این جهت این اثر زاویه‌ی جدید و نگرش درشناسانه‌ای را به خوانندگان آرایه داده است.

لذا می‌توان با مطالعه این اثر حتی به تصحیح دیدگاههای گذشتگان (از مشروطه به این طرف) پرداخت. و ارزیابی نویی را از نگرشهای صرفاً مثبت به حرکت اصلاحی غرب به دست داد.

۲) ظهور پدیده یا طبقه روشنفکر دینی مبتدیان و نوپیان و جوانان دیندار را به سمت پروتستانتیسم سوق می‌دهد، در حالی که ممکن است آنان از خطاهای فاحش یکی از بزرگترین رهبران نهضت اصلاح‌دینی یعنی ژان کالوین (John Colvin) چشم پوشند و آن را نادیده بگیرند در حالی که مطالعه تنها همین اثر تلقی به طور مطلق مثبت به پروتستانتیسم را عوض و یا تعدیل خواهد کرد و خواننده متوجه خواهد شد که اگر تقوای دینی و انسان‌گرایی و انسان دوستی در ذهن و دل فردی رسوخ نیافته باشد ممکن است علیرغم شعارهایش به قلع و قمع کسانی پردازد که خود قربانی استبداد و وحشت‌گرایی حکومت‌های پیشین باشد.

۳) پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ جریان روشنفکری دینی و به تبع آن توجه به اصلاح‌دینی بویژه در غرب رواج عظیمی یافته است. کافی است به آثار قلمی منتشر شده اعم از کتاب و مقاله در طی دو سال اخیر نگرشی داشته باشیم تا به اقبال این طبقه به نهضت قرن ۱۶ اروپا پی‌بریم.

نگارنده بر این عقیده است که اگر به جوانان و روشنفکران جامعه هشدار ندهیم که مطلق‌گرایی در نگرش به اصلاح خود نیازمند اصلاحی جدید است ممکن است به دام دیگری که این بار خود آن را پدید آورده‌ایم گرفتار شویم. با تأسف باید گفت فرهنگ ایرانی استعداد شگفت‌آوری در تاثیرپذیری از این اندیشه دارد.

پانویس‌ها:

- ۱- وجدان بیدار، یادداشت ناشر.
- ۲- همان، ص ۲۳۵.